



گزارش

گروه سیاسی

اسلامی پیوست و فعالیتش را در واحد اطلاعات عملیات آغاز کرد. حوزه‌ای که در سال‌های نخست جنگ ایران و عراق از حساس‌ترین بخش‌های عملیاتی به شمار می‌رفت.

او پس از مدتی به مجموعه اطلاعات جنوب منتقل شد و در مأموریت‌های مرتبط با همان بخش حضور یافت. فعالیت در مناطق عملیاتی، برای او بدون هزینه نبود و در جریان یکی از همین مأموریت‌ها جانباز شد. اتفاقی که بخشی از سوابق دوران حضورش در جبهه‌های جنگ را شکل داد. از میان روایت‌هایی که درباره سابقه فعالیت خطیب بیان شده، شاید مفصل‌ترین و شناخته‌شده‌ترین آنها به سخنان مجتبی ذوالنور، نماینده قم در مجلس شورای اسلامی، هنگام بررسی صلاحیت او برای تصدی وزارت اطلاعات در سال ۱۴۰۰ بازرگردد. ذوالنور در جلسه رأی اعتماد، بخشی از سوابق خطیب را مرور کرد و گفت در مقطعی که گروه‌های کمونیستی و سازمان منافقین در مسجدمسلمان فعالیت‌های ضدانقلابی گسترده‌ای داشتند، سید اسماعیل خطیب به همراه چند تن از روحانیون انقلابی در آن منطقه مستقر شدند و به گفته او توانستند شرایط را تغییر دهند. با تأسیس وزارت اطلاعات، بسیاری از نیروهای امنیتی سپاه به این وزارتخانه منتقل شدند. خطیب نیز حدود دو سال پس از تشکیل این وزارتخانه، در سال ۱۳۶۴ از سپاه به وزارت اطلاعات رفت و فعالیت خود را در این مجموعه

با تأسیس

وزارت اطلاعات،

بسیاری از

نیروهای امنیتی

سپاه به این

وزارتخانه منتقل

شدند. خطیب

نیز حدود دو

سال پس از

تشکیل این

وزارتخانه، در

سال ۱۳۶۴ از

سپاه به وزارت

اطلاعات رفت

از جبهه‌های دفاع مقدس تا سنگر امنیت کشور

اسماعیل کوثری

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی

شهید اسماعیل خطیب از جمله شخصیت‌هایی بود که پیش از آنکه در جایگاه‌های عالی امنیتی و اطلاعاتی کشور شناخته شود، سابقه‌ای ارزشمند در میدان دفاع از مینهن داشت. او در دوران دفاع مقدس در جبهه‌های نبرد حضور یافت و در همان دوران نیز به افتخار جانبازی نائل شد. این سابقه نشان می‌داد که روحیه ایثار و مجاهدت، صرفاً محدود به مسئولیت‌های مدیریتی او نبود، بلکه ریشه در سال‌های حضورش در میدان‌های دفاع از انقلاب و داشت. فعالیت‌های اطلاعاتی شهید خطیب نیز از همان سال‌های اول انقلاب و در حوزه اطلاعات رزمی آغاز شد. او به مرور، با تکیه بر تجربه، تخصص و شناخت عمیق از مسائل امنیتی، مسئولیت‌های متعددی را در بخش‌های مختلف اطلاعاتی و امنیتی کشور، از جمله در قوه قضائیه، برعهده گرفت و در تمامی این سال‌ها، به عنوان مدیری دقیق، کم‌حاشیه، متعهد و متخصص شناخته می‌شد. در دولت شهید رئیسی، ایشان برای تصدی وزارت اطلاعات به مجلس شورای اسلامی معرفی شد. پس از طی مراحل قانونی و بررسی صلاحیت‌ها، با تأیید مقام معظم رهبری و کسب رأی اعتماد نمایندگان مجلس، مسئولیت وزارت اطلاعات را برعهده گرفت. حضور ایشان در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، که کمیسیون تخصصی بررسی صلاحیت وزیر اطلاعات محسوب می‌شد، به‌خوبی نشان داد که از اشراف کامل بر مسائل اطلاعاتی، امنیتی و راهبردی کشور برخوردار است.

یکی از ویژگی‌های برجسته شهید خطیب، نحوه تعامل او با مجلس شورای اسلامی بود. ایشان همواره با آرامش، منات و سعه‌صدر در جلسات کمیسیون‌ها و صحن مجلس حضور پیدا می‌کرد و با تسلط کامل به حساب‌شده و مبتنی بر واقعیات بود و همین روحیه موجب شد اعتماد قابل توجهی میان او و نمایندگان مجلس شکل بگیرد.

ارتباط شهید خطیب با مجلس، صرفاً یک ارتباط اداری نبود. او همواره تلاش می‌کرد دغدغه‌های نمایندگان را بشنود و در چارچوب مصالح امنیت ملی، پاسخ‌های لازم را ارائه کند. در کنار آن، برخورد ایشان با مراجعه‌کنندگان

نیز مثال‌زدنی بود. با وجود حساسیت فوق‌العاده مسئولیت وزارت اطلاعات و الزام به رعایت دقیق ملاحظات امنیتی، همواره با تواضع، احترام و اخلاق اسلامی با مردم و مراجعان برخورد می‌کرد و تا حد امکان

مسائل آنان را پیگیری می‌کرد. روحیه اینارگری، اخلاص، تواضع و مسئولیت‌پذیری، از ویژگی‌های بارز شخصیتی این شهید والامقام بود. او هیچ‌گاه به دنبال دیده شدن نبود و ترجیح می‌داد عملکردش در سکوت و به دور از هیاهوی رسانه‌ای، ضامن امنیت و آرامش مردم باشد. بسیاری از موفقیت‌های مجموعه اطلاعاتی کشور در سال‌های اخیر، حاصل مدیریت آرام، دقیق و مبتنی بر تجربه او بود. در حوزه مأموریت‌های امنیتی نیز شهید خطیب با اقتدار، درایت و هوشمندی، مقابله با گروه‌های تروریستی، جریان‌های خرابکار، شبکه‌های جاسوسی و عوامل برهم‌زننده امنیت کشور را دنبال می‌کرد. او در برابر هرگونه اقدام علیه امنیت ملی، قاطع و استوار بود و در عین حال تلاش می‌کرد تصمیمات و اقدامات امنیتی، برپایه قانون، عقلانیت و مصالح کشور اتخاذ شود.

از همین رو می‌توان گفت که وی یکی از موفق‌ترین وزرای اطلاعات جمهوری اسلامی ایران بود؛ مدیری که هم در دولت سیزدهم و هم در ادامه مسئولیت خود در دولت چهاردهم، با همان روحیه جهادی، تعهد و تخصص، مسئولیت خطیر وزارت اطلاعات را دنبال کرد و هیچ‌گاه از انجام وظایف خود در قبال نظام و مردم عقب‌نشینی نکرد.

بی‌تردید دشمنان جمهوری اسلامی ایران از نقش آفرینی مؤثر چنین شخصیت‌هایی در تأمین امنیت کشور آگاه بودند و به همین دلیل نیز وجود او را برناتافتند. شهادت این مجاهد خستگی‌ناپذیر، هرچند ضایعه‌ای بزرگ برای مجموعه امنیتی کشور محسوب می‌شود، اما همان‌گونه که تجربه انقلاب اسلامی نشان داده است، خون شهیدان هرگز بی‌ثمر نمی‌ماند و راه آنان با استحکام بیشتری ادامه خواهد یافت.

امروز نام شهید حجت‌الاسلام والمسلمین سید اسماعیل خطیب، در کنار دیگر شهدای امنیت، به عنوان مدیری مؤمن، انقلابی، مردمی، صبور، متخصص و خستگی‌ناپذیر در حافظه ملت ایران ماندگار خواهد ماند. او عمر خود را از جبهه‌های دفاع مقدس تا سنگرهای پیچیده امنیتی، وقف پاسداری از انقلاب اسلامی و امنیت مردم کرد و سرانجام نیز پاداش سال‌ها مجاهدت خاموش خود را با شهادت دریافت کرد؛ شهادتی که بی‌تردید، آغاز ماندگاری نام و راه او در تاریخ خدمتگزاران صادق این سرزمین خواهد بود.



معتمدپزشکیان

روایتی از زندگی و کارنامه

سید اسماعیل خطیب وزیر شهید اطلاعات

ادامه داد. روند پیشرفت او در این وزارتخانه ادامه یافت تا اینکه در سال ۱۳۷۰ به سمت مدیرکل اطلاعات استان قم منصوب شد؛ مسئولیتی که سال‌ها ادامه داشت و همزمان با رخدادهای مهم امنیتی و سیاسی این استان بود. در دوره مدیریت او بر اداره کل اطلاعات قم، چند پرونده مهم امنیتی در این استان مطرح شد. بسیاری در دفاع از عملکرد خطیب، به ماجرای درآویش گنابادی، پرونده مسجد محمدیه و دیگر رویدادهای امنیتی قم اشاره می‌کنند. ذوالنور در همان جلسه رأی اعتماد با تأکید فراوان از عملکرد خطیب دفاع کرد و گفت در تمام سال‌هایی که با او همکاری داشته، هیچ اقدامی از سوی وی ندیده که به تعبیر خودش از روحیه انقلابی فاصله داشته باشد.

فعالیت خطیب در وزارت اطلاعات تا سال ۱۳۸۹ ادامه پیدا کرد. بر اساس اظهارات مجتبی ذوالنور، او در آن سال با دستور مستقیم محمود احمدی‌نژاد از مسئولیت خود کنار گذاشته شد. ذوالنور در مجلس گفت که پس از این برکناری، خطیب به عنوان مسئول حراست دفتر رهبری در قم منصوب شد و فعالیت خود را در آن مجموعه ادامه داد.

او تا سال ۱۳۹۱ در دفتر رهبری در قم حضور داشت. در همان سال، مسیر کاری‌اش بار دیگر تغییر کرد و این بار به قوه قضائیه رفت. اردیبهشت ۱۳۹۱، صادق آملی‌لاریجانی که در آن زمان ریاست قوه قضائیه را برعهده داشت،

رضوی منصوب کرد؛ سمتی که تا شهریور ۱۴۰۰ در اختیار او باقی ماند. با آغاز به کار دولت سیزدهم، نام سید اسماعیل خطیب در فهرست وزیران پیشنهادهی ابراهیم رئیسی برای وزارت اطلاعات قرار گرفت. بسیاری از نمایندگان تازه‌وارد مجلس یازدهم شناخت چندانی از سوابق او نداشتند، اما گروهی از نمایندگان باسابقه از نزدیک با کارنامه او آشنا بودند و در دفاع از وی سخن گفتند.

در فضای سیاسی جمهوری اسلامی، معرفی وزیراطلاعات معمولاً با هماهنگی رهبرانقلاب انجام می‌شود و به همین دلیل، گزینه معرفی‌شده معمولاً با مخالفت گسترده در مجلس روبه‌رو نمی‌شود. درباره خطیب نیز همین روند تکرار شد. او در شهریور ۱۴۰۰ با کسب ۲۲۲ رأی موافق، ۴۸ رأی مخالف و ۱۷ رأی ممتنع، رأی اعتماد مجلس را به دست آورد و سکان وزارت اطلاعات دولت سیزدهم را در اختیار گرفت.

پس از سانحه سقوط بالگرد حامل ابراهیم رئیسی و برگزاری انتخابات زود هنگام ریاست جمهوری، کمانه‌زنی‌های متعددی درباره ترکیب کابینه دولت چهاردهم مطرح شد. یکی از پرسش‌های اصلی، سرنوشت وزارت اطلاعات بود و بسیاری انتظار داشتند وزیراین وزارتخانه تغییر کند. با این حال، مسعود پزشکیان نیز ترجیح داد سید اسماعیل خطیب را برای ادامه مسئولیت به مجلس معرفی کند.

دومین حضور خطیب در مجلس برای کسب رأی اعتماد، با حمایت بیشتری نسبت به دوره نخست همراه شد. او توانست ۲۴۲ رأی موافق نمایندگان را به دست آورد. آماره که ۴۰ رأی بیشتر از رأی اعتماد نخست او در مجلس یازدهم بود و زمینه ادامه حضورش در رأس وزارت اطلاعات دولت چهاردهم را فراهم کرد.

دوران وزارت سید اسماعیل خطیب با مجموعه‌ای از پرونده‌ها و چالش‌های امنیتی همراه بود. در طول این سال‌ها، وزارت اطلاعات با رخدادهای مهمی از جمله تحولات امنیتی شهریور ۱۴۰۱ و همچنین وقایع دی‌ماه ۱۴۰۴ مواجه شد. افزون بر این، دو جنگ موسوم به ۱۲ روزه و ۴۰ روزه نیز در دوره مسئولیت او رخ داد. جنگ دوم هنوز به پایان نرسیده بود که حمله اسرائیل به تهران در ۲۷ اسفند ۱۴۰۴، زندگی و مسئولیت او را با شهادت به پایان رساند.

در آن حمله، سید اسماعیل خطیب به همراه همسر و دخترش به شهادت رسید و پرونده یکی از باسابقه‌ترین مدیران امنیتی کشور، پس از بیش از چهار دهه حضور در نهادهای اطلاعاتی، امنیتی، قضایی و اجرایی بسته شد. مدیری که از نخستین سال‌های پس از انقلاب در عرصه امنیت فعالیت کرد، مسئولیت‌های متعددی را تجربه کرد و در نهایت، حالی که همچنان بر کرسی وزارت اطلاعات دولت چهاردهم تکیه داشت، به شهادت رسید.

دومین حضور

خطیب در

مجلس برای

کسب رأی

اعتماد، با

حمایت بیشتری

نسبت به دوره

نخست همراه

شد. او توانست

۲۶۲ رأی موافق

نمایندگان را به

دست آورد

نگاه

خطیب؛ مدیری کوشا و مقتدر

احمدبخشایش اردستانی

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس

با شناختی که از شهید حجت‌الاسلام سید اسماعیل خطیب، وزیر اطلاعات داشتیم، ایشان فردی باتجربه، کم‌حرف و با تدبیر بود. معمولاً در جلسات سکوت می‌کرد و بیشتر شنونده بود. برای مثال، در جلسات کمیسیون امنیت ملی مجلس، ابتدا بحث‌ها را با دقت گوش می‌داد و تنها زمانی که از ایشان درخواست می‌شد، به اندازه لازم و با دقت صحبت می‌کرد. ایشان تلاش می‌کرد به پرسش‌ها پاسخ دهد و در برخی موارد نیز نقاط ضعف را می‌پذیرفت.

از جمله اذعان کرد که دستگاه اطلاعاتی کشور با برخی خلأها و کاستی‌ها مواجه است، هرچند بخشی از این مشکلات را به ظهور فناوری‌های جدید از جمله اینترنت، شبکه‌های هوشمند و ابزارهای نوین ارتباطی مرتبط می‌دانست.

در واقع شهید خطیب فردی مقتدر، روحانی جلیل‌الشهر و مدیری کوشا بود که تلاش می‌کرد امور را به بهترین شکل پیش ببرد. باید اذعان کرد که دستگاه اطلاعاتی کشور توانسته است طی دهه‌های گذشته امنیت کشور را تا حد زیادی حفظ کند و این موضوع قابل تقدیر است. با این حال، شهادت شهید خطیب نیز خود نشانه‌ای از وجود خلأها و آسیب‌های اطلاعاتی بود؛ چراکه دشمن توانست محل حضور ایشان را شناسایی کند.

این حادثه ضرورت بازنگری و رفع نواقص اطلاعاتی را بیش از پیش آشکار کرد. به اعتقاد من، یکی از ضعف‌های وزارت اطلاعات آن است که گاهی به جای تمرکز بر تهدیدهای اصلی، بخش زیادی از توان خود را صرف مسائل داخلی، امنیت اقتصادی و موضوعات مشابه می‌کند. این مسأله باعث می‌شود ظرفیت دستگاه برای مقابله با تهدیدهای راهبردی کاهش یابد. البته ممکن است بخشی از این وضعیت به محدودیت‌های اقتصادی و ساختاری بازرگردد که نیازمند

اصلاح و برنامه‌ریزی است.

با همه اینها، شهید خطیب فردی مؤمن، متقی، مدبر و دوست‌داشتنی بود و همواره با اخلاق، منات و احترام

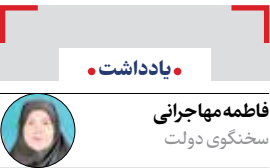
با دیگران برخورد می‌کرد. یکی از مهم‌ترین پروژه‌هایی که ایشان پیگیری می‌کردند عملیات متقابل اطلاعاتی در برابر اسرائیل بود.

برای مثال پس از آنکه اسرائیل مدعی شد اسناد

دریافت کرد؛ شهادتی که بی‌تردید، آغاز ماندگاری

نام و راه او در تاریخ خدمتگزاران صادق این سرزمین

پاسخ متقابلی ارائه ه‌د. شهید خطیب نیز در پاسخ،



فاطمه ماهرانی

سخنگوی دولت

در برابر ایثارشان

باید به احترام ایستاد

هفته دولت، فرصتی برای مرور کارنامه خدمت است؛ اما امسال، این مرور با یاد کسانی گره خورده است که خدمت را تا آخرین منزل ادامه دادند. شهیدان سید اسماعیل خطیب و امیر سرتیپ عزیز نصیرزاده، دو عضو هیأت دولت بودند که در جنگ رمضان جان خود را در راه دفاع از ایران نثار کردند. یاد آنان، بیش از هر چیز، ما را به تأمل درباره معنای خدمت، اختلاف‌نظر و احترام فرامی‌خواند. سیاست، عرصه تفاوت نگاه‌هاست. هیچ دولتی را نمی‌توان یافت که در آن همه افراد درباره همه موضوعات یکسان بیندیشند. تصمیم‌گیری برای مسائل پیچیده کشور، حاصل گفت‌وگو، استدلال، نقد و گاه اختلاف‌نظر است. اگر چنین نباشد، اساساً تصمیم‌سازی جمعی معنای خود را از دست می‌دهد. من نیز مانند بسیاری از همکارانم، در مقاطعی با شهیدان سید اسماعیل خطیب و امیر سرتیپ عزیز نصیرزاده درباره برخی مسائل نگاه‌های متفاوتی داشتم. این اختلاف‌ها نه پنهان‌کردنی است و نه غیرطبیعی. آنان مسئولیت‌های سنگینی بر عهده داشتند و هر کدام از منظر مأموریت، تجربه و مسئولیت خود به مسائل کشور می‌نگریستند.

با این همه، آنچه از این دو شهید در ذهن من مانده، تنها گفت‌وگوها و اختلاف نظرهای کاری نیست. شهید خطیب در مسیر مسئولیت، همواره همراه دولت بود؛ آرام، مسئولیت‌پذیر و حاضر در روزهایی که تصمیم‌گیری آسان نبود. شهید نصیرزاده نیز سال‌های طولانی از عمر خود را در مسیر دفاع از کشور گذراند و تا آخرین لحظه در جایگاه مسئولیت باقی ماند.

جنگ رمضان، همه این تفاوت‌ها را در برابر حقیقتی بزرگ‌تر قرار داد. از روزی که خبر شهادت این دو عضو هیأت دولت منتشر شد، بارها به این فکر کرده‌ام که انسان‌ها را با چه معیاری باید به یاد آورد. آیا باید آنان را تنها با تصمیم‌هایی که گرفته‌اند، موضعی که داشته‌اند یا اختلاف‌هایی که با دیگران پیدا کرده‌اند، شنید؟ یا لحظه‌هایی وجود دارد که همه اینها در برابر یک انتخاب بزرگ‌تر، معنای دیگری می‌یابد؟

جان، عزیزترین دارایی هر انسان است؛ دارایی‌ای که هیچ جایگزینی برای آن وجود ندارد. هنگامی که کسی این سرمایه را در راه ایران تقدیم می‌کند، نمی‌توان او را در قباب اختلاف‌های سیاسی و مدیریتی محدود کرد. شهادت، اختلاف‌ها را از تاریخ پاک نمی‌کند، اما جایگاه آنها را تغییر می‌دهد. از آن پس، هر نقده و هر داوری باید در کنار حقیقتی قرار گیرد که از همه آن اختلاف‌ها بزرگ‌تر است؛ حقیقت ایثار.

شاید امروز بیش از هر زمان دیگری به چنین نگاهی نیاز داشته باشیم. فضای عمومی ما گاهی چنان گرفتار دوگانه‌های موقاف و مخالف می‌شود که فراموش می‌کنیم انسان‌ها را نمی‌توان به یک تصمیم، یک موضع یا یک اختلاف تقلیل داد. هر یک از ما ممکن است در موضوعی وجود داشته باشیم و این حق طبیعی همه ماست. اما اگر نتوانیم میان اختلاف‌نظر و احترام مرز روشن ترسیم کنیم، سرمایه‌ای را از دست می‌دهیم که جامعه بیش از هر چیز به آن نیاز دارد؛ سرمایه انصاف.

شهیدان خطیب و نصیرزاده، در نهایت جان خود را برای ایران تقدیم کردند. این، بزرگ‌ترین و دشوارترین انتخابی است که یک انسان می‌تواند انجام دهد. هیچ مقام، مسئولیت یا افتخاری با آن قابل مقایسه نیست. از همین رو، ممکن است درباره بعضی تصمیم‌ها و رویکردها همچنان بحث و نقد وجود داشته باشد، اما در برابر این احترام از سر تعارف یا مصلحت نیست. احترام به انسان‌هایی است که آخرین داشته خود را در راه امنیت و سربلندی مردم بخشیده‌اند.

سال‌ها بعد، ممکن است کمتر کسی به یاد داشته باشد که در فلان جلسه چه کسی با چه نظری موافق یا مخالف بود؛ اما تاریخ به یاد خواهد داشت که در روزهای سخت، وجود هیأت دولت جان خود را برای این سرزمین تقدیم کردند. در برابر چنین ایثاری، باید تا همیشه به احترام ایستاد.